

یادداشت

تجزیه "کلید واژه رژیم برای سرکوب و تفرقه"

صادق کار



به نوشته روزنامه انتخاب، سید عبدالرحیم موسوی فرمانده کل ارتش در رابطه با اعتراضات اخیر مردم گفته است:

دشمنان توانسته‌اند خرمشهرهایی را فتح کنند؛ ما باید تلاش کنیم این خرمشهرها را آزاد کنیم / هدف "
"نهایی شان تجزیه است"

به نوشته خبرگزاری دولتی ایرنا، "امیر کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش در مراسمی که بخاطر کشته شدن یک بسیجی که (ظاهرا) در درگیری های اخیر کشته شده پس از تشبیه معترضان با "مگسان" با الفاظ تندتری بر آنها تاخت و اتهامات و تهدیدهایی را علیه مردم مطرح کرد که بی شباهت با لومپن ها نبود

متهم کردن مخالفان رژیم به تجزیه طلبی قبلا نیز توسط تعداد زیادی از فرماندهان سپاه و مسئولین رژیم مطرح شده بود. آنان به تهدید هم اکتفا نکردند و برای واقعی نشان دادن آن علاوه بر کشتن و سرکوب مردم در شهرهای مختلف، نیروی زمینی سپاه با موشک و پهباد به مراکز احزاب کرد ایرانی و محل های زندگی خانواده های آنان در کردستان عراق ده ها نفر را کشته و زخمی کرده بود

متعاقب حمله به کردستان عراق نیروهای سرکوبگر حدود ۱۰۰ نفر از مردم محروم و ستم دیده زاهدان را بهمین بهانه واهی با سلاح های جنگی به قتل رساندند و نخستین جمعه سیاه را رقم زدند. در چهلیم عزداری جان باختگان زاهدان آنها در خاش با کشتن ۱۶ نفر جمعه سیاه دیگری را آفریدند

همه این جنایات تا کنون توسط نیروهای تحت فرمان سرداران سپاه انجام گرفته است. حالا اما با تداوم و گسترش جنبش انقلابی و درماندگی نیروهای تحت فرمان سپاه برای سرکوب جنبش و مسائل دیگر تصمیم



گرفته اند کم ارتش را نیز که وظیفه قانونی اش دفاع از مرزهای کشور در مقابل لشکر کشی خارجی است برای سرکوب مردم وارد گود کنند. یکی دیگر از اهداف به صحنه آوردن فرماندهان ارشد ارتش این است که نشان دهند ارتش در کنار سپاه از سرکوب مردم حمایت و در کنار پاسداران قرار دارد می خواهند با این نمایشات روحیه نیروهای سرکوب را تقویت و روحیه مخالفان را تضعیف و آنها را بترسانند

اما واقعیت این است که اگر حساب فرماندهان ارشد سر سپرده ارتش و سپاه را جدا از بدنه این دو ارگان در نظر بگیریم، اکثریت بدنه سپاه و بسیج هم دلخوشی از وضعیت خودشان ندارند و موافق کشتن مردم نیستند، تا چه برسد به بدنه ارتش که به مراتب رابطه بدتری با سرداران سپاه و اعمال آنها دارند. آخرین حربه‌ای که می تواند تا حدودی بخشی از بدنه ارتش را از لحاظ ایدئولوژیک برای سرکوب مردم قانع کند، همین قضیه متهم کردن مخالفین آزادیخواه به تجزیه طلبی است که باید با کار روشنگرانه اثرات آن را خنثی کرد. زیرا شکاف و اختلاف در میان نیروهای سرکوب و ارتشی هر چه بیشتر باشد به همان نسبت روی پیروزی جنبش اثر مثبت خواهد داشت. بهمین دلیل بعید نیست خود رژیم با تحریک و صحنه آراییی در مناطقی از کشور و دست زدن به اقدامات تحریک آمیز مبادرت به تحریکات تجزیه طلبانه بنماید. خوشبختانه تا کنون نیروها و احزاب ذی نفوذ در مناطقی که مسائل قومی و ملی در آنها وجود دارد با هوشیاری و درایت عمل کرده و بهانه ای به دست رژیم نداده‌اند که مورد سواستفاده آن واقع شود. وقتی رژیم در مناطق فارس زبان و مرکزی که مسئله قومی در آن وجود ندارد با بی رحمی تمام تظاهر کنندگان را به گلوله می بندد و به کودکان هم رحم نمی کند، معلوم می کند با آزادی و آزادیخواهان سر جنگ دارد و نه با "تجزیه طلبی".

زدن اتهام تجزیه طلبی به جنبشی که، برای آزادی و عدالت اجتماعی، از میان برداشتن تبعیض و نابرابری و بر کناری رژیم فاسد و ستمگر می رزمند و اهداف خود را همه روزه در خیابانها فریاد می زند، وصله‌ای نیست که به این جنبش بچسبد

تجزیه طلبی "در واقع بهانه‌ای بیش برای ایجاد تفرقه میان اقوام و ملیت های ساکن ایران و سرکوب جنبش " مردمی نیست. ده‌ها سال و بلکه قریب یکصد سال است که دیکتاتورهای حاکم بر ایران با تجزیه طلب خواندان مخالفان و منتقدین خود اعتراضات حق خواهانه مردم را به خاک و خون کشیده‌اند

الان هم هیچ نیروی تجزیه طلب جدی در ایران که طالب جدایی باشد وجود ندارد و تجزیه طلبی نیز از هیچ لحاظ به نفع کسی نیست. به ویژه که جنبش زن، زندگی، آزادی، همبستگی بی سابقه‌ای را در کشور بوجود آورده و همبستگی ملی در کشور را که در اثر سیاستهای تبعیض آمیز و سرکوبگرانه و مداخلات حکومت در کشورهای منطقه تضعیف شده بود با گفتمان آزادیخواهانه خود تحکیم بخشیده است. با پیروزی جنبش انقلابی و پایان یافتن دخالتهای توسعه طلبانه و پر هزینه و فاجعه آور رژیم در کشورهای همسایه و برقراری مناسبات متعارف و دوستانه با کشورهایایی که نظر سئو نسبت به کشور ما ندارند، تعداد دشمنان ایران و خطر دخالت خارجی به حداقل خواهد رسید

همه با هم علیه سرکوب جنبش انقلابی سراسری متحدانه مبارزه کنیم!

از اعتصاب معلمان و کارگران و دانشجویان و دانش آموزان حمایت کنیم!

در هر کجا که هستیم از همه امکانات برای بسیج افکار عمومی علیه کشتار و

سرکوب معترضان بهره بگیریم!

آیا "تضمین اشتغال" اشتغال را تضمین می کند؟ بخش هژدهم
"تحلیل انتقادی برنامه های دولت به عنوان "کارفرمای ملجأ نهانی"
استورجس، هیو



کارگران سیاه، بومی و دیگر رنگین پوستان امریکا مخالف
"استخدام کامل" بدون یک طرح دولتی برای "تضمین اشتغال" اند

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که تعدیل اولیه دستمزدها در بخش خصوصی، به صورت افزایش آنها زیر تأثیر "تضمین اشتغال"، قطعاً به یک جهش کوتاه تورمی می انجامد که به نوبه خود موجب کاهش اثر تعدیل اولیه می شود؛ مگر آن که بخش خصوصی ترجیح دهد به جای افزایش قیمتها، از دامنه سود خود بکاهد. در غیر این صورت آنچه به عنوان دستمزد قابل زندگی آغاز می شود، می تواند به سرعت به دستمزد آستانه فقر تبدیل شود

اثرات "تضمین اشتغال" * بر اقتصاد کلان 3. مزایای مشاغل یک برنامه "تضمین اشتغال" - ادامه

این که افزایش هزینه طرح "تضمین اشتغال" به چه درجه بر کل اقتصاد اثر خواهد داشت، بستگی مستقیمی به این دارد که نسبت بین دستمزد / مزایا چه باید باشد تا اطمینان حاصل شود که کارگران بازار کار معمولی را به "تضمین اشتغال" ترجیح خواهند داد. یک نسبت نامتعادل (خیلی کم یا خیلی زیاد) در هر حال پیامدهای منفی خواهد داشت. در یک حالت، همان گونه که شاپیرو و استیگلیتز پیش بینی کردند، ممکن است کارگران با دستمزد پایین اقدام به کم کاری کنند، زیرا خسارات درآمدی که در اثر اخراج شدن به دلیل تولیدوری کم باید متحمل شوند، ناچیز خواهد بود. در حالت دوم، یا باید مشاغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" به شدت غیرمولد باشند یا کارگران آن



در مقایسه با شغل مشابه در بخش خصوصی درآمد کمتری خواهند داشت، یعنی به تعبیری "برای یک چندرغاز کار کنند". این حالت دوم مشخصاً در هند پیش آمد، به نحوی که دادگاه عالی هند به این نتیجه رسید که برنامه تضمین اشتغال روستائی با پرداخت دستمزدی کمتر از حداقل قانونی، قانون را نقض می کند. در عمل این احتمال وجود دارد که شرکتهای خصوصی بدو دستمزد پائینی پردازند، اما به تدریج آن را افزایش دهند، و از این طریق هم تولیدوری کارگران را در نظر داشته باشند و هم شرایط حفظ آنان را فراهم آورند.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که تعدیل اولیه دستمزدها در بخش خصوصی، به صورت افزایش آنها زیر تأثیر "تضمین اشتغال"، قطعاً به یک جهش کوتاه توری می انجامد که به نوبه خود موجب کاهش اثر تعدیل اولیه می شود؛ مگر آن که بخش خصوصی ترجیح دهد به جای افزایش قیمتها، از دامنه سود خود بکاهد. در غیر این صورت آنچه به عنوان دستمزد قابل زندگی آغاز می شود، می تواند به سرعت به دستمزد آستانه فقر تبدیل شود. از شوخیهای روزگار این که عین این استدلال، یعنی افول نتایج مثبت تعدیل اعتلائی در اثر افزایش قیمتها، توسط چرنووا و وراای علیه درآمد پایه جهانی اقامه شده است.

اگر دولت نخواهد، پس از تعدیل اعتلائی اولیه، بخش خصوصی را به افزایش دستمزدها سوق دهد، شکاف دستمزد مشاغل "تضمین اشتغال" و مشاغل در بخش خصوصی باید ثابت بماند، این البته نافی تعدیل دستمزد "تضمین اشتغال" هر از گاهی به سمت بالا نیست. هر چه شکاف بین دو دستمزد عریضتر، مشاغل "تضمین اشتغال" ناهمسان تر و بنابراین به تعداد کمتر خواهند بود. در این حالت منتفی نیست که بسیاری از کارگران بیکار ترجیح دهند بدون حمایت درآمدی، در اقتصاد سایه کار کنند و نه این که در برنامه ای که احتمالاً در معرض انگ و اشاره نیز هست، ثبت نام کنند. چنین "تضمین اشتغال"ی نمی تواند "مشاغل خوب" را به جای "مشاغل بد" بنشانند.

نتیجه

به طور خلاصه، در این فصل استدلال شد که 1- نظریه پولی مدرن عمدتاً در مورد مکانیسم حسابداری دولتی درست است، اما این به خودی خود حاوی پیامدهای مهمی نیست؛ 2- سمتگیری ضد تورمی احتمالی "تضمین اشتغال" شایسته هشدارهای مهمی است. هشدار اول این که طرفداران نظریه پولی مدرن به درستی می گویند که دولت‌هایی که پول بی پشتوانه انتشار می دهند، در معرض محدودیتهای مالی نیستند، اما بر اساس منطق خودشان، دامنه هزینه‌های دولتی که از طریق پول تامین می شود، باید بسیار کم یا نزدیک به صفر باشد. طرفداران نظریه پولی مدرن هنوز پاسخ مناسبی به این استدلال ارائه نکرده اند. دیگر این که هزینه‌های طرح تضمین اشتغال را باید جدی گرفت، و این کاری است که طرفداران "تضمین اشتغال" هنوز نکرده اند.

با توجه به نکته دوم، آشکار شده است که تأثیر یک طرح عمومی برای شغل با حداقل دستمزد برای همه شهروندان بزرگسال بر بازار کار، بس گسترده تر و پیچیده تر از آنی است که مدل‌های "تضمین اشتغال" عرضه کرده اند. هر شغل تحت پوشش "تضمین اشتغال" به دلیل مزایای قابل توجه غیردستمزدی اش حداقل از قدری جذابیت برخوردار است، و طرح "تضمین اشتغال" که مبتنی بر تعاریف و انتظارات مدافعان آن باشد (یک کار از نظر اجتماعی سودمند که بتوان به سادگی به آن وارد و از آن خارج شد) برای برخی از کارگران جذابتر از مشاغل خصوصی، که دستمزد بیشتری هم می پردازند، خواهد بود. وضع اگر چنین باشد (و نوشته حاضر نشان می‌دهد که چنین است)، پس



بخش خصوصی باید حاوی مزایای بسیاری در قیاس با مشاغل "تضمین اشتغال" باشد و مشاغل را چنان تسهیل کند که جذب کارگران و حفظ آنان میسر گردد. طبعاً چنین کیفیتی می تواند به نفع کارگران باشد، اما نتیجه آن از زاویه تولیدوری نامشخص است. به علاوه می تواند به تلقی از مشاغل "تضمین اشتغال" به عنوان مشاغل "الکی" نیز منجر شود. تأثیر این تلقی بر انواع کارهایی که کارگزاران تحت پوشش "تضمین اشتغال" می توانند انجام دهند، موضوع فصل بعدی است.

در متن حاضر اصطلاح تضمین اشتغال در معنای عام آن منظور است، و "تضمین اشتغال" (در داخل گیومه) در معنای خاص آن، که در بخش 1 این مقاله چنین تعریف شده است:

1. تضمین اشتغال "ظرفیت بینهایت منعطفی را برای نیروی کار فراهم می آورد؛ یک امکان "همگانی برای همه، بدون هیچ آزمونی، یا با این و آن محدودیت زمانی یا محدودیت عددی دستمزد این برنامه برای کارگران، حداقل دستمزد است. از این قرار این برنامه کارگران 2. تحتانی در بازار کار را استخدام می کند. بنابراین با دیگر کارگران در بازار کار به رقابت برنمی خیزد و فقط کارگرانی را استخدام می کند که در غیر این صورت بیکار خواهند ماند. دستمزدها به نحو "برونزا" تثبیت شده اند، به این معنا که توسط دولت تعیین می شوند و بنابراین افزایش دستمزد به منظور حفظ کارگران رخ نمی دهد.
3. تضمین اشتغال "نوعی اشتغال کامل "سست" است، به این معنا که کارگران آزادند، زمانی " که چشم انداز شغلی بهتری وجود دارد، "به میل خود" از آن بیرون روند و به بازار کار معمولی بپیوندند. بنابراین نیروی کار تحت پوشش این برنامه نسبت به شرایط اقتصاد به طور معکوس تغییر می کند. برنامه "تضمین اشتغال" به طور خودکار تنظیم می شود تا نیروی کار لازم مشاغل معین را فراهم کند؛ بنابراین موجب تقاضای اضافی برای نیروی کار نمی شود.
4. کارگران برنامه، کارهای اجتماعی مفیدی را انجام می دهند، اما نه کارهای مرسوم را که مداوماً توسط "خط اصلی" در بخش عمومی انجام می شوند. طرفداران "تضمین اشتغال" طیف تقریباً نامحدودی از فعالیتها را پیشنهاد می کنند که می تواند به کارگران برنامه سپرده شود. از آن جمله اند: مراقبت از کودکان و سالمندان، طرحهای محیط زیستی، فعالیت‌های جمعی و خدمات اجتماعی از طریق بخش غیرانتفاعی. شرط انجام یک پروژه در چارچوب "تضمین اشتغال" این است که پروژه به نحوی دارای یک منفعت اجتماعی باشد.

اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

نابود باد استبداد و بی عدالتی!

کار، رفاه، آزادی!

خط فقر ۱۸ میلیونی و پیامدهای ناگزیر آن بر تحولات سیاسی

صادق



اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، ما با موج جدید دیگری از اعتراضات گسترده اجتماعی در کشور مواجه خواهیم شد که اگر چه منشأ اقتصادی و معیشتی دارند ولیکن سیاسی خواهند بود و با زور توپ و تفنگ و پهباد هم نمی شود سرکوب و مهارشان کرد.

دادهای آماری تازه از افزایش خط فقر به بیش از ۱۸ میلیون تومان و افزایش شدید قیمت ها خصوصا مواد غذایی خبر می دهد. این در حالی است که سیر صعودی قیمت ها و تورم همچنان ادامه دارد. قیمت بعضی از کالاهای اساسی به قدری ترقی نموده که کمتر کسی یافت می شود بتواند آن را خریداری کند. دارو یکی از مهمترین کالاهای مورد نیاز بیماران است که برای خیلی از مردم اهمیت حیاتی دارد. اما قیمت آن بین ۳۰۰ تا ۷۰۰ درصد ظرف مدت کوتاهی به صورت جهشی چنان بالا رفته که ابیستر بیماران نیازمند مجبورند برای تهیه داروهای مورد نیاز خود اثاثیه خانه هایشان را بفروشند.

شرایط ملیونها بیکار و بی درآمد از شاغلین بسیار بدتر است

وضعیت تولیدات کشاورزی هم بسیار وخیم گزارش شده. علاوه بر بحران بی آبی قیمت کودهای شیمیایی به اندازه‌ای بالا رفته که برای کشاورزان مقرون به صرفه نیست. احمد توکلی رئیس پیشین کمیته پژوهش مجلس چندی پیش در هنگام دادن پژوهشی که برای دولت تهیه کرد گفته بود حذف ارز ترجیحی موجب گرانی شدید کود شیمیایی شده و تولید و تامین مواد غذایی را به مخاطره انداخته است

این خود به تنهایی سبب افزایش قیمت مواد غذایی خواهد شد



طبق داده‌های اداره آمار "قیمت روغن مایع با افزایش ۲۸۹.۱ درصدی در مهرماه در بین سایر اقلام خوراکی رکورد زد. روغن نباتی جامد با افزایش ۲۶۵.۴ درصد، سیب‌زمینی با ۱۵۳.۲، ماکارونی با ۱۳۸.۷ درصد، برنج ایرانی درجه یک با ۱۳۸ درصد، سس مایونز با ۱۲۸.۳، مرغ‌ماشینی با ۱۲۱ درصد، کره پاستوریزه با ۱۰۹.۷ درصد به ترتیب بیشترین تورم نقطه‌به‌نقطه در مهرماه سال جاری داشتند.

نظر کارشناسان اقتصادی و سیاسی که در این موارد مطرح شده بر این است که تورم و گرانیها با توجه به سیاستهای دولت و چشم انداز آن در ماه های آینده نیز افزایش پیدا می کند. آنها از جمله به کسر بوجه . سنگین دولت و چاپ اسکناس بدون پشتوانه توسط دولت استناد می کنند

با این وصف دولت از افزایش دستمزدها همچنان امتناع می ورزد و حاضر نیست با وجود موافقت با افزایش حقوق رسمی نیروهای نظامی و انتظامی تقاضای افزایش دستمزد کارگران را بپذیرد. این در حالی است که ارزش دستمزدها و قدرت خرید کارگران در اثر افزایش تورم و گرانی ها و سقوط ارزش ریال در ۸ ماه گذشته به نصف رسیده و فشار معیشتی به کارگران نسبت به اول سال دو چندان شده است. از همین رو اعتراضات کارگری در صورتی که قدرت خرید خانوار های کارگری ترمیم نشود، تشدید شوند

فرشید مومنی از اقتصاددانان منتقد سیاستهای اقتصادی دولت می گوید: ' برای اولین بار در تاریخ برنامه‌ریزی ایران ما شاهد این هستیم در یک دوره ۳ ساله در نیمه دوم دهه ۱۳۹۰ جمعیت فقرای ایران دو برابر شده است. به نظر می‌رسد خود این مساله به اندازه کافی گویا است. کلیدی‌ترین جهت‌گیری‌های لایحه بودجه ۱۴۰۱ این است که به طرز نگران‌کننده‌ای فقرساز و نابرابرساز است. بیشترین فشارها بر گروه‌های فرودست و مزد و حقوق‌بگیران لحاظ شده و بیشترین معافیت برای بهره‌مندان با درآمدهای نامتعارف بالا در نظر گرفته شده است. سند بودجه ۱۴۰۱ تمرکز ویژه‌ای بر شوک‌های قیمتی گذاشته است". بنا بر این دلایل وضعیت معیشتی و دو برابر شدن فقرای طی یک بازه زمانی ده ساله در ایران به سیاستهای محافظه کارانه و جانبدارانه دولت بر می گردد. با این وجود دولت همچنان به زور تفنگ تلاش در پیشبرد برنامه فاجعه بار خود را دارد و به هیچ یک از ایرادها و پیشنهادات کارشناسان اقتصادی اعتنایی ندارد و ظاهرا نتایج کار برایش علی السویه است

با این وصف انتظار می رود اگر روند کنونی ادامه پیدا کند، ما با موج جدید دیگری از اعتراضات گسترده اجتماعی در کشور مواجه خواهیم شد که اگر چه منشا اقتصادی و معیشتی دارند ولیکن سیاسی خواهند بود و با زور توپ و تفنگ و پهباد هم نمی شود سرکوب و مهارشان کرد

با اعتصاب و اعتراض و پیوستن به جنبش انقلابی و آزادیخواهانه سراسری مردم از آن حمایت کنیم!

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را تشدید کنیم!

جان زندانیان سیاسی در خطر است، همه با هم متحدانه برای آزادی شان مبارزه کنیم!



حالا دیگر وقت اعتصاب است!

صادق



توقع از مجلس و دولت ماندن در توهم است

خبر گزاری ایلنا در خبری که در ۱۸ آبان منتشر کرد، به نقل از کارگران شرکتهای پیمانی در عسلویه اولتیمتومی را خطاب به قالیباف رئیس مجلس فرمایشی منتشر کرد. کارگران معترض از قالیباف خواسته‌اند زمانی برای تصویب لایحه ساماندهی کارگران پیمانی و شرکتی تعیین کند و بیش از این آنها را سرندواند

ایلنا به نقل از کارگران معترض و منتظر نوشت

کارگران عسلویه ادامه دادند: توقع داریم در همین هفته، زمان دقیق تصویب طرح ساماندهی را مشخص کنند؛ دو سال است که تحقیقات و کار کارشناسی در ارتباط با بار مالی طرح و زیر و بم آن انجام شده؛ در این مقطع زمانی باید مراحل تصویب طرح به پایان برسد؛ دیگر زمان توجه به بهانه‌های مقامات دولت نیست."

گفتنی است که بیش از دو سال است کارگران را با طرحی که قرار بوده وضعیت استخدامی کارگران پیمانی و شرکتی را تغییر داده و باعث افزایش حقوق و مزایا و بهبود شرایط کاری شان شود سر گردان و در انتظار تصویب طرح مذکور معطل نگه داشته‌اند

با این همه قالیباف هفته گذشته آب پاکی روی دست کارگران ریخت و رک و پوست کنده اعلام کرد که دولت به دلیل بار مالی طرح با تصویب آن در مجلس مخالفت کرده است. یعنی بجای اینکه دولت از مجلس! تمکین کند، مجلس بی اختیار از دولت تمکین کرده است

البته از این موارد بسیارند و دفعه اول نیست که مجلس جلوی دولت لنگ می اندازد و لوایح خود را پس می گیرد و اگر لوایحی باشد که تصویب شده باشند از اجرای آنها امتناع می ورزد. امتناع از اجرای مصوبه مزدی امسال و کاهش ۱۰۰ هزار تومانی حق مسکن، نمونه های کوچکی از تن ندادن دولت به مصوبات نهادهای قانونی است



دولت حتی هر جا که لازم بداند در نهادهای قانونی زیر نظر دولت را می بندد که نهادی حتی برای طرح شکایت از دولت باقی نماند. نمونه اش تعطیل کردن جلسات شورای عالی کار است که چند ماه است تعطیل اش کرده‌اند، تا درخواستی برای افزایش دستمزد صورت نگیرد.

در قسمت دیگری از نامه " کارگران می‌گویند: ما منتظر بودیم در این هفته زمان دقیق تصویب طرح "ساماندهی را تعیین کنند اما ناگهان ریاست مجلس از مدارا با دولت و بار مالی طرح سخن گفت

بله همیشه بهان‌هایی برای توجیه اعمال شان دارند. مهم این است که فریب اینگونه توجیحات را نخورد. هیچ کدام از این توجیحات برای کارگر نامی نبود، ولی میلیارد، ملیارد پول باد آورده و بی زحمت برای شرکت‌های واسطه‌ای و دلال در بر دارد. استثمرت در شرکت‌های واسطه‌ای مضاعف است و بخش بزرگی از حقوق کارگر که به او داده نمی‌شود، به جیب صاحبان شرکت‌های پیمانی می‌رود. بهمین سبب است که تفاوت فاحشی میان دستمزد و مزایای مزدی . کارگران رسمی و غیر رسمی وجود دارد. تصویب طرح کذایی می‌توانست به این تبعیضات اختلاف بر انگیز میان کارگران خاتمه دهد. این بخش از قضیه نیز از دلایل امتناع دولت و مجلس محسوب می‌شود و تا حدود زیادی از اعتصاب‌های جمعی تر جلوگیری می‌کند.

با این اوصاف آیا می‌شود انتظار داشت که شکایت کارگر ره بجایی برسد؟ خیر بخصوص وقتی که کارگر تشکلی ندارد که بتواند از حقوق اش دفاع کند، امکان ندارد کارگر با نامه نویسی و دادن پیغام و پس‌غام بتواند حقی را وصول کند. در این صورت چه راهی به غیر از متشکل شدن و اعتصاب و اعتراض برای کارگر که همه راه‌ها و درها به رویش بسته شده باقی می‌ماند؟ اولتیماتوم زمانی اثر بخش خواهد شد که نیروی آماده فشار پشت آن وجود داشته باشد. این بخش از کارگران شرکت‌های پیمانکاری که از سازماندهی خود در تشکل سندیکایی یا شورایی غفلت نموده و به وعده‌های مسئولین و تشکل‌های دولتی دلخوش داشته‌اند، باید فهمیده باشند که اولتیماتوم آنها به قالیباف به خاطر اینکه فشار سازمان یافته پشت آن نیست بی‌جواب خواهد ماند. مگر اینکه همکاران اعتصابی شان در عسلویه الهام بگیرند، متشکل شوند، دسته جمعی اعتصاب کنند و تا عملی شدن خواسته‌هایشان به اعتصاب شان ادامه دهند. در این صورت است که آنها می‌توانند به خواسته‌هایشان برسند. این مجلس و این دولت هرگز بدون فشار جمعی محال است جانب صاحبان شرکت‌های پیمانکاری را که اکثرشان از کس و کار خودشان هستند رها کنند و جانب کارگر را بگیرند.



پایان اعتصاب غذای لیلا حسین زاده بعد از موافقت با خواسته‌هایی که بران آنها اعتصاب کرده بود

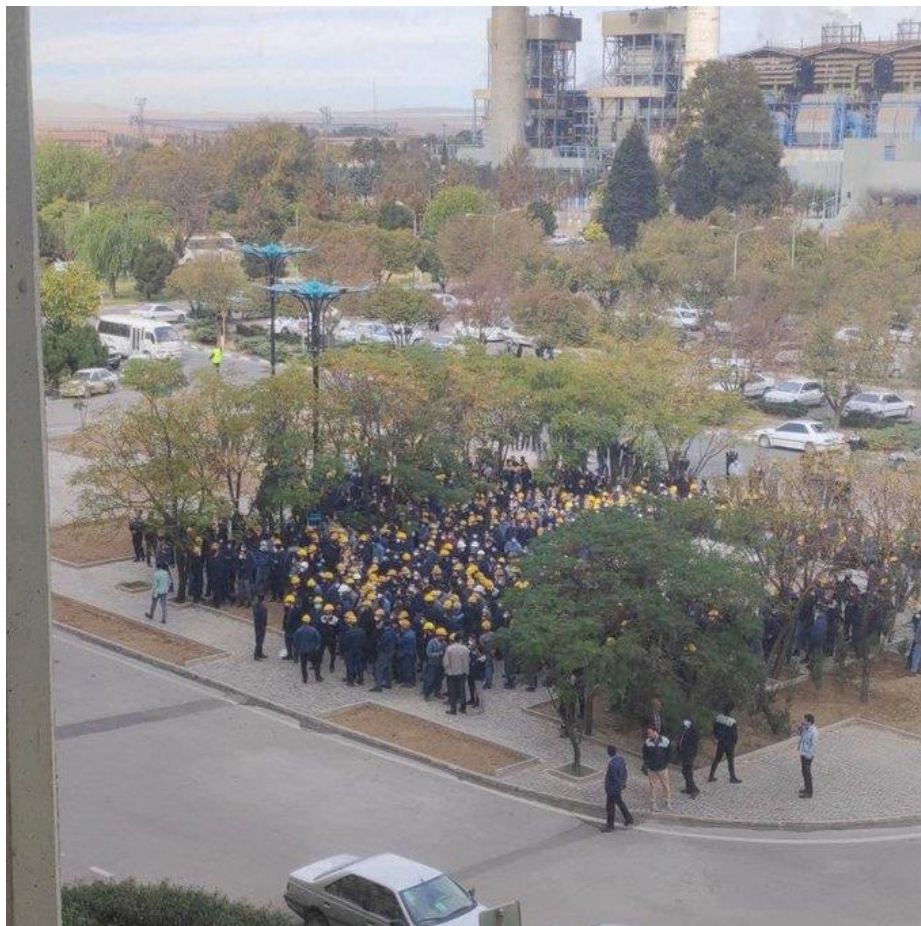


شعبان محمدی در زندان





سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه با شعار زن زندگی آزادی، نان کار آزادی، از فراخوان عمومی آبان اعلام پشتیبانی می‌کند و لازم است که همگی ما در راه رهایی قدم برداریم و با سر دادن شعار، زندانی سیاسی آزاد باید گردد خود را برای آزاد کردن هم‌زمان اسیر شده را به نمایش بگذاریم.



کارگران ذوب‌آهن اصفهان دست به اعتصاب زدند
بنابر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، امروز سه‌شنبه ۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۱، کارگران شرکت ذوب‌آهن اصفهان از بخش‌های مختلف شرکت در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان دست به اعتصاب زده و در محوطه این شرکت تجمع کرده‌اند.

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می‌توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>